



حضرت  
آیه الله مشکینی

## اخلاق در اسلام

# تواضع

### ★ اقسام تواضع

تواضع بر دو گونه است یکی تواضع و فروتنی در برابر الله و انبیا و دیگری تواضع و فروتنی در برابر مردم و بندگان خدا همچنانکه در مورد تکبر نیز بهمین گونه تقسیم گردید .

### ★ تواضع در برابر خدا

تواضع در برابر الله یکی از مهمترین صفات انسان است و بر هر انسانی واجب است که در پیشگاه پروردگار خاضع و عفاقی و اسطیق و احکام الهی را پذیرا باشد .  
تواضع در پیشگاه خداوند تعالی لازمه اش این است که نگاه او را ببیند و به دستورات او کردن نهد و کمال و وارستگی انسان در همین است و اصولاً هدف انبیا عظام علیهم السلام دعوت آنان در دو مطلب خلاصه میشود . یکی تواضع و خضوع در پیشگاه "الله" و دیگری تکبر و طغیان در برابر طاعتها بنا بر این تواضع در برابر خداوند مهمترین صفت از اوصاف انسان و انگیزه دعوت و بعثت انبیا (ع) است .  
در روایت آمده است که خداوند تعالی به حضرت موسی خطاب فرمود که آیا میدانی چرا از میان همه مردم ترا برای وحی برگزیدم و با تو سخن گفتم و ترا به کوه طور دعوت نمودم

در بحث گذشته ، بعد از اتمام برخی از اموره کلیات مرسوط به علم اخلاق مطالبی درباره صفت کبر بیان شد و اکنون مناسب است صفتی که مقابل صفت کبر است و بنام تواضع نامیده میشود مورد بحث قرار گیرد .

تواضع واژه‌ای است که از "وضع" مشتق شده است و وضع به معنی نهادن و تنزل دادن است و تواضع که باب تفاعیل همین واژه است به معنی کوشیدن و سعی نمودن در این است که انسان خود را در برابر "الله" و در برابر خلق باین و بناجیز حساب کرده ، خودبینی و خود بزرگ بینی نداشته باشد .

انسان در طبیعت خود همواره خویشش را از دیگران برتر و بالاتر می‌بیند و این از صفات سعی انسان است که باید با سعی و کوشش این صفت بلید را زایل و به جای آن صفت زیبای تواضع را تحصیل نماید و چنین کاری در سایه عمل به آداب الهی و تخلق به اخلاق اسلامی انجام می‌گیرد چنانچه همه صفات روحی همینگونه است چرا که زایل کردن یک صفت از روح و سپس جایگزین نمودن صفت دیگری در آن نیاز به زحمات فسراوان دارد و اصولاً معنی مجاهده همین است که انسان بلیدها را از روان خود پاک و آنگاه آن را به زیبایی و جمال صفات خوب آرایش دهد .

بهر حال صفت تواضع و فروتنی در مقابل صفت کبر است و همانگونه که در گذشته اشاره شد صفت کبر از صفات سعی است و انسان متواضع توانسته است خود را از سبعیت و درندگی برهاند و خود را به صفت زیبای انسانی در آورد .

و بوسیله تو تورات را بر مردم ارسال داشتم ؟ عرضه داشت نه پروردگارا تصدیق منم ، خداوند فرمود : این همه بدان جهت است که ترا از همه مردم در پیشگاه خود و در برابر معبودت خاصتر یافتم و نتیجه این تواضع این شد که ترا بر دیگران برتری بخشم .

نتیجه فروتنی بزرگی است ، نتیجه تواضع در پیشگاه "الله" این است که خداوند انسان را در میان مردم و حتی فرشتگان عظمت میدهد ، پس تواضع در پیشگاه خداوند از مهمترین صفات انسانی است .

## \*\* تواضع در برابر مردم

قسم دوم، تواضع در برابر مردم است و این قسم نیز بسیار مطلوب است با دقت در آیات الهی و روایات وارده از اهل البیت علیهم السلام می‌بینیم که در باره این صفت تحریص و ترغیب فراوان شده است و دستور فرموده‌اند که این صفت را در خودمان ایجاد نمائیم و کوشش کنیم که به این کمال دست یابیم در آیه ۵۴ سوره مائده میفرماید :

يا ايها الذين امنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف ياتي الله بقوم يحسبهم ويحسبونه اذله على علي المؤمنين اعزه على الكافرين

خداوند متعال خطاب به مسلمین زمان نزول قرآن می‌فرماید : ای مؤمنان اگر کسانی از شما از پذیرفتن دین و دعوت پیغمبر روی گردانید بزودی خداوند قومی را خواهد آورد که آنها خداوند را دوست میدارند و خداوند نیز آنان را دوست میدارد . آنان در مقابل مؤمنین متواضع و در برابر کافران مقتدر و سرفراز خواهند بود .

در روایت آمده است که هنگامی که این آیه نازل شد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سوال کردند این که خداوند خطاب به مسلمانان آن روزگار میفرماید اگر شما از دین روی گردان شوید خداوند قومی را با آن صفات مهم خواهد آورد ، این قوم چه کسانی هستند که این گونه از آنان تجلیل میفرماید ، در آن حال جناب سلمان رضوان الله تعالی علیه در نزد پیامبر اسلام نشسته بود گویا حضرت دست مبارک خود را بر روی شانه سلمان میگذاشت و میفرماید که این ملت از قوم این اقا خواهند بود یعنی ایرانیها که خداوند از آنها در برابر مسلمانان آن روز تجلیل می‌کند و میفرماید : آنها خدا را دوست میدارند و خدا آنها را دوست میدارد و آنها دارای این صفت برجسته خواهند بود که در برابر مؤمنین و همکیشان خود متواضع خواهند بود .

خداوند این صفت را انجنان می‌پسندد که در عصر نزول قرآن به مسلمانان آن زمان میفرماید اگر شما این گونه نباشید کسانی می‌آیند که منخلق به اخلاق الهی میشوند و این کمال روحی را خواهند داشت و در برابر برادران دینی‌تان خاضع و فروتن و در مقابل کفار متکبر و سرافراز خواهند بود ، و در جمله معروفی چنین آمده است که :

التكبر مع التكبر عبادة "

تکبر - که از صفات رشت است در برابر طغیانگران و متکبرین عبادت است همچنان که تواضع در برابر مؤمنان عبادت است بهر حال از آیه مذکور استفاده میشود که یکی از اوصاف کمال مؤمن تواضع است و انسان مسلمان نباید هیچگاه خود را در برابر برادران دینی خود بزرگتر و برتر ببیند .

### تواضع در پیشگاه خداوند

تعالی لازمه اش این است که احکام

اورا بپذیرد ... و گردن نهد

انسان کر چه کاملاً مؤمن و عابد باشد ، معلومات زیاد داشته باشد ، اهل فضل و کمال باشد ، دارای ریاست و مقام باشد و اگر چه همه این امور را داشته باشد هیچگاه نباید این امور موجب شده که خود را بزرگتر از دیگران ببیند گرچه آن دیگری از اقتدار پائین مردم باشد ، چرا که کوچکی و بزرگی به منصب و مقام و ثبات و ثروت و امثال آنها نیست و بنا میشود فردی که در دنیا او را خیلی پست و بی‌ارزش به حساب می‌آورند در قیامت معلوم خواهد شد که چه مقامی در پیشگاه خداوند متعال داشته و از همه مقدم بوده است ، بنا بر این انسان در هر مقامی که باشد باید توجه داشته باشد که مقام ، ریاست ، عالم بودن ، روحانی بودن و ... موجب خود فروشی و خود بزرگ دیدن نسبت به دیگران نشود که این از رشتیها و انحرافات است و انسان نباید به آن الوده شود .

قرآن کریم در سوره فرقان آیه ۶۳ میفرماید :

و عبادة الرحمن الذين يمشون على الارض هوسا .

بندگان رحمن - آنان که ناپستی و صلاحیت نام عباده الرحمن ، بندگان خدای رحمن را دارند - کسانی هستند که

منی آنان روی زمین به حالت نواضع باشد ، نه فقط راه رفتن در کوچه و بازار و حیایان که منی عملی و رفتار آنان با مردم و افشار مختلف جامعه ، از نواضع و فروسی آنان حکایت می کند ، بلکه کردار و رفتار و گفتار آنان نیز نشان می دهد که خود بینی ، خود بزرگ بینی ، خود فروسی و تکبر در آنان وجود ندارد . و جنس کسانی عباد الرحمن هستند .

از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود : کسی که در برابر برادران دینی خود نواضع داشته باشد خداوند متعال او را جز صدیقین قرار می دهد ، صدیق کسی است که در روس فکری و اخلاقی و عملی در پیشگاه خداوند راستگو و درستکار باشد و نواضع نزد خداوند در شمار صدیقین محسوب می شود و این نیز یکی دیگر از آثار بسیار خوب نواضع است .

در روایت آمده است که بردی یا فرزندش مهمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شدند بعد از صرف غذا حضرت شخصا برخاست و به منظور شستن دستها طبق معمول زمان آنفابه و لکن رانزد یکی از دو مهمان یعنی شخصی که سدر بود آورد و خواست روی دست او آب بریزد تا دستش را بشوید مهمان خیلی شرمند شد و از این که بولی علی علیه السلام که آقای دنیا و آخرت است آب روی دست او بریزد امتناع ورزید حضرت فرمود شما مهمان هستید و من باید خودم این خدمت را انجام دهم و سرانجام بعد از امتناع زیاد مهمان ، حضرت آب ریختند و او دستش را شست و سپس در مورد فرزند او به حمد

### شگفت انگیز است انسان

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود :

- " ما اعجب امر الانسان ، ان سح له الرجا ، اذله الطمع ، "
- " و ان حاج به الطمع اهلكه الحرص ، و ان ملكه اليأس قتلته "
- " الاسف ، و ان سعد نسي التحفظ ، و ان تاله خوف حيرة الحذر ، "
- " و ان اتسع له الامن اسلمته الغزوه ، و ان اصابته مصيبة فضحه "
- " الجزع ، و ان افاد مالا اطفاه الغنى ، و ان غصته فاقه شمله "
- " البلا ، و ان جهده الجوع قعد به الضعف ، و ان افراط في الشبع "
- " كلفته البطنة ، فكل تقصير به مضر و كل افراط به مفسد ، و كل "
- " خير معه شر ، و كل شئ له آفة "

(ارشاد مفید صفحه ۱۴۲)

حقیقه دستور داد که آب روی دست او بریزد تا دستش را بشوید و دلیل این کار را هم بیان فرمودند که بخاطر فرق گذاردن پدر و فرزند و حفظ احترام پدر این گونه عمل کرده است . آن که نسبت به مهمان کوچکتر نمیخواسته همان خدمت را انجام دهد .

بهر حال روش حضرت امیر علیه السلام چنین بود و این نکتاتی است که نشانگر روحیه نواضع در یک انسان بزرگ است باید برای ما سرمشق باشد که در برابر برادر دینی چنان روحیه ای را دارا باشیم لیکن این صفت گاهی با ریختن آب روی دست یک فرد و زمانی با برطرف نمودن نیاز مالی و یا حاجت دیگری از برادر دینی و برآوردن احتیاجات او ظاهر میشود و این می بینیم مثلا در ادارات از کاغذ بازی و بروکراسی نکاستن میشود و در برخی ادارات به مراجعین اعتنا نمی شود عمدت بخاطر همین است که صفت نواضع نیست و اگر این مساله حل شود و رویه ها و کارمندان ادارات در برابر مراجعین احترام نواضع کنند این مشکل نیز حل خواهد شد ، چرا که وقتی انسان برادر و خواهر دینی خود را بزرگ ببیند و خود را در مقابل او کوچک و خدمتگزار ببیند قهرا خود را مکلف میداند که احتیاج و طلبه و خدمت نماید و نیاز آنان را برآورده کند و این صفت است که بسیاری از گرفتاریها را از جامعه بر طرف مینماید .

### ادامه دارد



ترجمه حدیث : چه حیرت آور است کار بشر ، اگر در مورد او امیدوار شود طمع خوارش خواهد کرد ، اگر طمع او را به جنتش آورد حرص هلاکش میکند ، اگر دچار ناامیدی شود غصه و غم را میکشد ، اگر به خوشبختی و سعادت رسد نگاهداری آن را فراموش می کند ، اگر دچار خوف و هراس شود از ترس حیرت زده میگردد ، اگر در گشایش امنیت قرار گیرد غافل میشود ، اگر نعمت بر او تجدید شود دچار گردن کشی و بلند پروازی میگردد اگر دچار مصیبتی شد تاثر و جزن رسوایش میکند ، اگر تروسی بدست آورد دچار طغیان مالی میگردد ، اگر فقر کربیمان کیش شد غرق اندوه میشود ، اگر گرسنگی او را خسته کرد از شدت ضعف زمین گیر میشود ، پس کندرو بیها در زندگی بشو زیان آور است و تندرو بیها نیز مایه فساد و ویرانی ، هر خبری را شری و هر نویسی را نیشی است .